



مؤلفه‌های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی

محمد صادق طاهر طلوع دل^۱ و سیده اشرف سادات^۲

چکیده: مجموعه‌های زیستی، کانونی مناسب برای ظهور تنوع رفتاری هستند. تراز موفقیت در هر فضای زیستی را می‌توان از میزان استمرار حضور افراد در آن فضا مورد سنجش قرار داد. از آنجایی که میزان سرزندگی افراد با بهبود کیفیت زندگی آن‌ها رابطه مستقیمی دارد؛ بنابراین پرداختن به این موضوع از اهمیت والایی برخوردار است. با توجه به نظر متخصصین حضور پررنگ انسان‌ها در هر مکان بیان‌گر حس سرزندگی و نشاط آن فضا به شمار می‌رود. بنابراین سه مؤلفه‌ی کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی از عوامل جذب‌کننده مخاطبین به فضاهای زیستی هستند. روش تحقیق در این مقاله به شیوه فراتحلیل کیفی - کمی و ابزار تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند با شیوه تحلیل آماری داده‌ها بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است با بررسی کیفی و کمی موضوعات مطرح شده، در زمینه حس سرزندگی در فضاهای مسکونی و فراوانی‌های متعلقه می‌توان؛ به خوبی آسیب‌شناسی و زمینه‌یابی لازم برای بهبود کیفیت محیط زندگی به دست می‌آید. براساس تحلیل نظرات 12 متخصصین مربوطه، سه مؤلفه کالبدی، مؤلفه اجتماعی و نیز مؤلفه زیست محیطی مؤثرترین مؤلفه‌ها محسوب می‌شوند. نتایج کمی این تحقیق نشان داده است که مؤلفه کالبدی 74/42٪، مؤلفه اجتماعی 18/16٪ و مؤلفه زیست محیطی نزدیک به 7/00٪ در تحقق حس سرزندگی مؤثر بوده‌اند. دستاورد نهایی این تحقیق تبیین مدل ارتباطی میان مؤلفه‌های عامل تحقق سرزندگی برای ساکنین فضاهای زیستی است.

واژگان کلیدی: حس سرزندگی، فضاهای زیستی، مؤلفه کالبدی، مؤلفه اجتماعی، مؤلفه زیست محیطی.

1 دانشیار، رشته معماری، عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.

2 دانشجوی دکترا، رشته معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران. (نویسنده مسئول) a.sadat@sru.ac.ir

1- مقدمه

تأمین نشاط و سرزندگی یکی از دغدغه‌های اصلی مردم و نظام‌های مدیریت شهری است زیرا که تمامی کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به شادابی و نشاط در آینده است.

سرزندگی یکی از مؤلفه‌های سازنده‌ی کیفیت کلی طراحی شهری یک محیط است. به گفته‌ی سقراط در قرن پنجم قبل از میلاد، هدف اصلی از ایجاد شهر، تأمین نشاط و خوش‌بختی شهروندان است. اگر شهر را بارزترین نمود تمایل و نیاز بشر به منزله‌ی کالبدی است و به واسطه‌ی حضور و حرکت انسان جان می‌گیرد و به حیات خود ادامه می‌دهد (گلکار، 1387).

فضایی سرزنده است که، حضور قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها به لحاظ سن و جنس در ساعات مختلف روز در آن حضور مستمر و ماندگاری داشته باشند به جایی اینکه بخواهند سریع از آن عبور کنند. پاکزاد سرزندگی را با نشاط و شادی برای استفاده کنندگان فضا مترادف می‌داند، به عقیده وی، فضای فاقد سرزندگی، بی‌روح، یکنواخت و کسالت‌بار است. او اعتقاد دارد کلید ایجاد روحیه سرزندگی در فضا، رعایت تنوع در استفاده از رنگ، مناظر، مبلمان، اتفاقات و حتی رفتارها و طیف‌های کاربران است. امروزه تک بعدی نگریستن به فضاها سبب کاهش کیفیت اغلب فضاها می‌شود. به طوری که برخی فضاها مسکونی از عدم سرزندگی و پویایی لازم رنج می‌برند و فقط مورد استفاده افرادی خاص قرار می‌گیرند. اگر شهر را موجودی زنده در نظر بگیریم، برای ادامه زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است، لازمه سرزندگی حضور مردم است. حیات و سرزندگی خود در میان جمع بودن است و آنچه به یک فضا زندگی می‌بخشد مردم و حضور فعال و پرشور و نشاط آنها در فضا است. فقدان وسعت نظر و جامع‌نگری در برنامه‌ریزی و طراحی فضا سبب گردیده است تا فضاها فاقد حس سرزندگی، نشاط و شادابی کافی باشند. لازم به ذکر است که نقش محیط کالبدی در ایجاد سرزندگی امری تعینی و جبری نیست و در این تحقیق بر آن است تا با بررسی عوامل کالبدی برای ایجاد سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی، به این سؤال اساسی که «مؤلفه‌های سرزندگی کدامند و مجتمع‌های مسکونی چه نقشی در ایجاد حس سرزندگی ساکنین دارد؟» پاسخ داده شود.

1-1- پیشینه تحقیق

کوپن لینچ (1981)، تعریف لینچ¹ از سرزندگی که براساس کتاب تئوری شکل خوب شهر منتشر شده، چنین است: هماهنگی محیط با نیازهای بیولوژیکی انسان و میزانی که فرم مکان‌ها، بقای زیست‌محیطی انسان و سایر موجودات زنده مفید به لحاظ اقتصادی برای انسان را تأمین می‌کنند. چنین محیطی، به لحاظ سرزندگی، محیطی خوب محسوب می‌شود که سلامت و بهزیستی افراد و بقای موجودات زنده را تأمین کند، که البته سه خصوصیت اصلی محیط را که بر سلامتی و ایجاد یک محیط حیاتی و بستر مناسب برای زندگی مؤثرند را، «بقا»، «ایمنی» و «سازگاری» می‌داند.

سوزان و هانری لنارد² (1987): «یک مکان رفتاری مثل میدانی از شهر را می‌توان به تعدادی مکان خرد رفتاری تقسیم کرد. زنده بودن چنین مکان‌هایی به این بستگی دارد که هر مکان خرد رفتاری چه رفتارهایی را تأمین کند و تمایلات مردم نسبت به آن‌ها چه باشد.

جیکوبز³ (1996) چهار شرط اصلی را برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی شهری بیان می‌کند: 1. ترجیحا محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد، 2. غالب بلوک‌های مسکونی کوتاه باشد، 3. منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد، 4. تراکم کافی مردم، صرف نظر از علت حضورشان و خوانایی، وجود داشته باشد. او در شرط اول تنوع کاربری، در شرط دوم و سوم بر روی تنوع کالبدی و در شرط چهارم بر تنوع فعالیت‌ها تأکید می‌کند. به اعتقاد او تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت.

یان گل (1996)⁴ محیط‌هایی سرزنده است که در آن فعالیت‌های «اختیاری» و «اجتماعی» در دامنه‌ی نسبتا گسترده‌ای از زمان جریان دارد.

چارلز لاندری⁵ (2000) مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده است. او سرزندگی و زیست‌پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسأله پرداخته است. لاندری 9 معیار مؤثر را

livability 1

lennard 2

jacobs 3

Gehl 4

Landry 5

فروشی باشد به گونه‌ای که جاذب و تولید کننده فعالیت پیاده گردد (اختلاط کاربری). وی سه مطلب را همزمان برای هر مکان با عناوین همچون اندازه مکان، برنامه مکان، طرح مکان مطرح می‌نماید: اندازه مکان: گنجایش تفریحات جمعی و رویدادها. برنامه مکان: ایجاد یک فضای زنده و دوستدار مردم. طرح مکان: ایجاد ظرفیت فضا برای جذب و مطابقت فعالیت‌ها تعریف گردیده است.

دادپور (2010) تعریف عام سرزندگی را، قابلیت مکان برای تأمین تنوعی از فعالیت‌ها و استفاده‌کنندگان (با پیش‌زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با هدف تنوع تجربیات و تعاملات اجتماعی به گونه‌ای که امنیت، برابری و راحتی را برای همه استفاده‌کنندگان فراهم آورد؛ در نظر گرفت.

2-1- معیارهای تحقق حس سرزندگی

1-2-1- عوامل کالبدی

عوامل کالبدی شامل تنوع عملکرد، کیفیت فضا، دسترسی، تنوع کاربری، نورپردازی، مبلمان فضایی، سیمای شهری به شرح زیر است.

تنوع عملکرد

تنوع⁵ کیفیتی است که لازمه پاسخ‌گویی به نیازها، عواطف و احساسات مختلف و متعدد مردم است. گوناگونی تجربه فضا دلالت بر ویژگی‌های محیطی مکان‌هایی می‌کند که واجد فرم‌ها، استفاده‌ها و معانی گوناگون باشند. مکانی که تنوع فعالیت و کاربری مختلط داشته باشد، دربرگیرنده گونه‌های متنوع ساختمانی با فرم‌های متنوع می‌گردد؛ چنین مکانی انسان‌های مختلف را در اوقات گوناگون با منظورهای متنوع به خود جذب می‌کند. هدف از تنوع، این است که میزان حق انتخاب را فزونی دهد و از احساس یکنواختی و ملال جلوگیری کند (بنتلی و همکاران، 1382، ص. 59). برای رسیدن به تنوع ابتدا میزان اهمیت و مقدار تقاضا برای انواع مختلف کاربری‌ها در مکان تعیین می‌شود، سپس از نظر عملکردی، اجتماعی و اقتصادی طرز قرارگیری کاربری‌ها، عوامل طبیعی، عوامل انسانی و عوامل معماری مطابق نمودار شماره 1 در کنار هم می‌توانند بررسی شوند به گونه‌ای که توجیه‌پذیر باشند.

برای شناسایی شهر سرزنده و زیست‌پذیر بر می‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و خوانایی، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. لانداری در مقایسه با دیگر افراد، با دید جامع‌تری، سرزندگی را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عوامل مؤثر بر آن اشاره نموده است.

بحرینی (2003) سرزندگی را به همراه مؤلفه‌های زیر تعریف می‌کند: حس زندگی و هیجان، وجود مراکز حیاتی، تراکم زیاد در جوار مراکز و جاده‌های اصلی، فعالیت‌های کنار خیابان، فعالیت‌های مستمر یا غیر مستمر، فضاهای جالب و مهیج.

پاکزاد (2003) «حیات و زندگی فرد در میان جمع بودن است و آنچه به یک فضا زندگی می‌بخشد، مردم و حضور فعال و پرشور و نشاط آن‌ها در فضا است».

کوروش گلکار (2007) سرزندگی را معادل واژه‌ی قابلیت زیستن¹ و بعضاً زندگی یا حیات² می‌داند او سرزندگی شهری را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده کیفیت کلی طراحی شهری تعریف می‌نماید که به عبارت دیگر «سرزندگی» به همراه شانزده کیفیت دیگر، یعنی خوانایی، شخصیت بصری، حسن زمان، غنای حسی، رنگ تعلق، آموزش، نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کاربری و فرم، همه شمول بودن، کیفیت عرصه همگانی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، همسازی با طبیعت، انرژی - کارآیی و پاکیزگی محیطی، پدیده‌ای به نام کیفیت طراحی شهری را می‌آفریند.

کرمونا (2007)³ مطالعاتی را در زمینه مکان‌های زندگی توجه به کیفیت را مطرح می‌کند، به مکانی که در ارتباط با فعالیت‌های غالبش به خوبی استفاده می‌شود و به کاربری‌های مکمل اجازه رشد و گسترش می‌دهد سرزنده گفته می‌شود در اینجا سرزندگی یک محل با فعالیت‌های غالب آن است.

پامیر⁴ (2007) عوامل مؤثر بر یک مکان عمومی و پر جنب و جوش را این چنین معرفی می‌نماید: جایگاه یک فضای عمومی موفق بایستی به گونه‌ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد. به علاوه در نزدیکی مراکز خرده

liveliness 1

Lynch 2

carmona 3

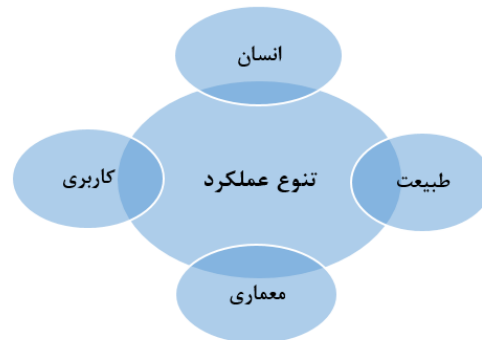
Pamir 4

جدول ۱- جمع بندی شاخص‌های سرزندگی برگرفته از بررسی نظریات اندیشمندان (نگارندگان)
Table 1. Conclusion of Vitality Indicators Taken from the study of theories of scholars (writers)

معیارهای عامل ایجاد سرزندگی			سال	نام نظریه پرداز	ردیف
مؤلفه زیست‌محیطی	مؤلفه اجتماعی	مؤلفه کالبدی			
بقای زیست‌محیطی، ایمنی، سازگاری با محیط	-	امنیت، سازگاری، خوانایی	1981	کوبین لینچ	1
-	جمعیت‌های متراکم تعاملات اجتماعی	تنوع کالبدی، تنوع کاربری تنوع فعالیت‌ها، خوانایی	1996	جین جیکوبز	2
-	زندگی شبانه روزی، تعاملات اجتماعی	تنوع کاربری‌ها، وجود واحدهای تجاری	1996	یان گل	3
-	تراکم مفید افراد، ارتباط و تشریک مساعی، هویت فرهنگی	ایمنی و امنیت، دسترسی، تنوع خلاقیت و ارتباط، هویت کالبدی، خوانایی	2000	لاندری	4
-	حس سرزندگی و هیجان، فعالیت‌های کنار خیابان، فعالیت‌های مستمر و غیر مستمر	تراکم زیاد در جوار مراکز و جاده‌های اصلی، فضاهای جالب و مهیج	2003	بحرینی	5
-	تعاملات اجتماعی	-	2003	پاکزاد	6
-	نیازها	تنوع فعالیت‌ها، تنوع کاربری، تنوع کالبدی	2007	کرمونا	7
-	-	تنوع فعالیت‌ها	2007	چپ من	8
همسازی با طبیعت، انرژی، پاکیزگی محیطی، آسایش اقلیمی، غنای حسی	تعلق مکانی، کیفیت عرصه همگانی	خوانایی، اختلاط کاربری و فرم، انعطاف‌پذیری، شخصیت بصری، نفوذپذیری و حرکت، ایمنی و امنیت	2007	کوروش گلکار	9
-	-	اختلاط کاربری، خوانایی	2007	پامیر	10
-	تنوع فعالیت‌ها، تعاملات اجتماعی	امنیت	2010	دادپور	11
-	تعاملات اجتماعی	تنوع کاربران، ایمنی، فرم‌های فیزیکی، سازگاری فعالیت‌ها، تنوع فعالیت‌ها	2011	اکتای	12

برای خلق فضای فعال و پرشور شهری باید آن فضا کاربری چندگانه و زون‌های چند عملکردی داشته باشد که در ساعات مختلف روز مورد استفاده اقشار متفاوت قرار گیرد و هر کدام از عرصه‌های فعالیتی از انعطاف‌پذیری بالا جهت انجام عملکردهای گوناگون برخوردار باشند. فضای شهری باید بتواند انواع گروه‌های سنی مختلف، از کودکان گرفته تا سالمندان را در خود جای دهد. پیوستگی فعالیتی نیز بر یکپارچگی فضا می‌افزاید؛ بدین منظور حوزه‌های فعالیتی نباید دارای مرزی غیر قابل انعطاف باشند. به عبارتی تا حد امکان نباید فضای مشخصی را به فعالیت مشخصی اختصاص داد و فعالیت را محدود به همان فضا کرد. فعالیت‌ها در صورت امکان می‌توانند به صورت سیال در فضا جاری شوند و فعالیت‌های همساز با خود را یافته، حتی با آن‌ها ترکیب شوند و فضایی چند عملکردی را به وجود آورند (پاکزاد، 1386).

تنوع فقط در فرم آشکار نمی‌شود، بلکه در فعالیت‌هایی است که در یک مکان امکان آن را فراهم کرده و مشوق آن است. فعالیت‌ها تقریباً همه پاسخی به خصوصیات و جذابیت‌های یک مکان هستند (چپ‌من، 1386). تنوع بصری و جذابیت محیط موجب ایجاد کانون اجتماعی فعال و پرتحرک جهت پویایی تعامل انسان‌ها می‌شود.



شکل ۱- حوزه‌های تنوع و گوناگونی فضا تحت عملکرد ساکنین
Fig. 1- Areas of Variation and diversity of space under the function of inhabitants (writers)

کالبدی - الگوی فعالیتی) «انعطاف‌پذیری»، «تناسبات بصری»، «غناى حسی»، «حس تعلق» مطابق نمودار شماره 2 (بنتلی و همکاران، 1382، ص. 5).

دسترسی‌پذیری

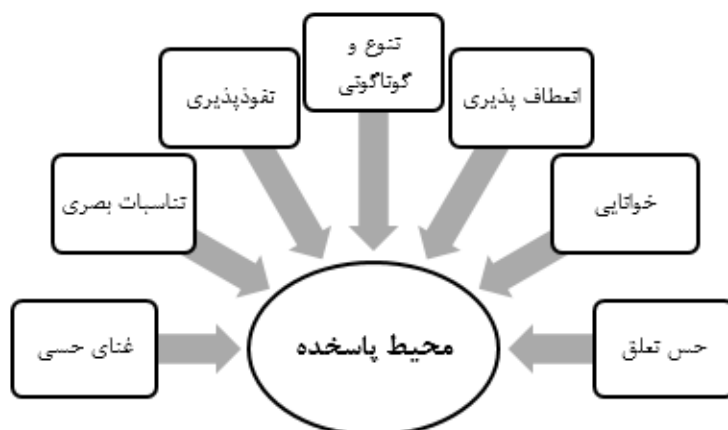
یکی از الزامات امنیتی، محافظت در برابر رفت و آمد خودروها است. عدم محافظت موجب محدودیت در ایجاد فعالیت‌های انتخابی در فضاهای باز می‌شود؛ کودکان باید دست در دست بزرگسالان باید حرکت کنند، بزرگسالان از گذشتن از خیابان‌ها واهمه دارند و حتی قدم زدن در پیاده رو نیز امن نیست. هر محیط شهری ویژگی‌های بالقوه‌ای دارد و آسیب‌های حضور وسایط نقلیه، ظاهر محیط را بسیار مغشوش و بیم‌قیاس می‌نمایاند. این در حالی است که اگر ما با تحلیلی عمیق به ویژگی‌های بالقوه هر محیط شهری بنگریم، می‌توانیم نقاط قوت بسیاری را در محیط خود به صورت بالفعل در آوریم، به طوری که منظر محیط را از بعد ذهنی و عینی دگرگون کنیم. کنترل وسایط نقلیه این کار را به طور قابل ملاحظه‌ای صورت خواهد داد (آن توماس، 1380، ص. 43-45).

با وجود این که شرایط بدون ترافیک برای پیاده‌روی ایده‌آل است، اما حرکت آهسته‌تر خودروها در خیابان به طور چشم‌گیری این امنیت و ایمنی را افزایش می‌دهد و دسترسی مناسب در مجموعه‌ها موجب رضایت ساکنین

کیفیت‌های فضایی

مؤلفه‌های فضایی مجموعه‌های زیستی، از دو بعد قابل بررسی است. یک، کالبد مسکن به عنوان یک واحد مسکونی که می‌توان از طریق رعایت اصول اقلیمی، نور و تابش آفتاب مناسب، کوران، ایجاد فضاهایی دل‌باز مانند حیاط در بام، بهره‌مندی از دید و منظر مناسب و.... فضاهای مطلوبی را در داخل واحدهای مسکونی ایجاد نمود؛ و دوم، رابطه کالبدی مسکن با محیط مسکونی خود که به نوعی شاخص اجتماعی است که نوع نیازها و رفتارهای سکونت، مسکن خاصی را طلب می‌کند و فضاهای عملکردی مسکن با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنان خود دارای ابعاد متفاوت است. ابعاد کالبدی مجتمع‌های مسکونی شامل سطح اشغال و تراکم، ارتفاع بلوک‌های ساختمانی، نحوه چیدمان بلوک‌های ساختمانی و مسایل مربوط به مجاورت بناها و میزان کیفیت فضای باز میان بلوک‌ها است که در این مقاله به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد (چپ من، 1386، ص. 149) در رابطه با این مؤلفه سوآلی که مطرح می‌شود: مجتمع مسکونی چگونه باید طراحی شود تا سرزندگی به ساکنان ببخشد؟

بنتلی (1382) در کتاب محیط‌های پاسخده، کیفیت‌های فضایی لازم جهت ساخت مکان‌های مطلوب را این چنین نام می‌برد: «نفوذپذیری»، «گوناگونی»، «خوانایی» (فرم



شکل 2-مدل تحلیلی برای کیفیت‌های فضایی بنتلی و همکاران، 1382
Fig. 2- Analysis Model for Spatial Quality Bentley et al., 2003

مجموعه‌ها می‌شود (امیدی و همکاران، 1393).

تنوع کاربری

یکی از ملزومات و احتیاجات طراحی یک فضای شهری، ایجاد جذابیت و خلق یک محیط جذاب است. گوردن کالن در کتاب «منظر شهر» بیان می‌کند که چگونه بیان خصوصیات بصری محیط، به افزایش کیفیت و ارتقای حس مکان در یک فضای شهری کمک می‌نماید (Gehl, Jan, 1987, 183). کاربری‌هایی هم چون تریا، رستوران و خدماتی همانند دسترسی مناسب به وسایل نقلیه عمومی، تلفن همگانی و علاوه بر این متنوع نمودن فعالیت‌های درون عرصه مجموعه مسکونی نیز به سرزندگی مجموعه کمک شایانی می‌نماید (پاکزاد، 1386، ص. 284). در گذشته توجه همزمان به زمینه‌های کالبدی، اقلیمی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ساختگاه و درک محیط پیرامون از اصول مهم در معماری خانه‌های سنتی محسوب می‌شود (مجتبوی و ولیداد، 1392، ص. 7).

نورپردازی فضایی

ایجاد ایمنی یکی از اهداف روشنایی معابر است. روشنایی امکانات دید را در اجتناب از برخورد با موانع شهری مانند پله‌ها، شیب‌ها، علائم و افزایش می‌بخشد. روشنایی مطلوب با ایجاد وضوح دید برای ساکنین در ساعات شب موجب راحتی و آسایش تردد گردیده و ایمنی ساعات شبانه را افزایش می‌دهد. نقش دیگر روشنایی و نورپردازی در معابر، جهت‌یابی و تشخیص موقعیت است. امنیت هدف دیگر نورپردازی معابر است. روشنایی مناسب و کافی در معابر موجب تقلیل بزه‌کاری گشته و به سلامت محیط می‌افزاید و فضایی که دارای حداقل جرم باشد، پذیرای افراد مختلف و دل‌پذیر و زیبا به شمار می‌رود (افرامیان، 1386، ص. 52-65). نور می‌تواند در درک محیط تأثیرگذار باشد، می‌تواند محیط را روحانی، دعوت کننده، گرم، صمیمی، دل‌باز یا گاهی مهیج نماید. انعطاف بیش از حد نور مصنوعی به رقابت با نور روز برخاسته و می‌تواند شب را نیز از تنوع بصری فوق العاده‌های سرشار نماید (عسگری عماد، 1379، ص. 24-26).

مبلمان فضایی

نیاز اولیه برای احساس بودن در فضا، داشتن گوشه‌ای دنج،

از آن خود و استفاده راحت از فضا برای مدتی کوتاه است. مردم این تملک را از راه‌های مختلف به دست می‌آورند: خردسالان از مجسمه‌ها بالا می‌روند؛ جوانان به دیوارها تکیه می‌زنند یا بر پله‌ها لم می‌دهند و مسن‌ترها به مکان‌های راحت‌تری مانند صندلی‌های پشت‌دار نیاز دارند. یک فضای مناسب در مجتمع بیش‌ترین گوناگونی را در جاهای نشستن فراهم می‌آورد. دیوارهای کوتاه بیانگر مرز هستند؛ اما اگر ابعاد و اندازه‌های آن‌ها مناسب باشند، می‌توان از آن‌ها به عنوان استراحت‌گاهی موقت، تکیه‌گاه یا سطحی برای نشستن استفاده نمود. نرده‌های خوش طرح نیز در فضاهای شهری نقشی مهم دارند. جوانان از آن به جای صندلی یا پله برای نشستن و تماشای آمد و شده استفاده می‌کنند. وجود صندلی‌های ردیفی بیانگر درک نکردن نیازهای انسان برای صحبت کردن و گرد هم نشستن است صندلی‌های ثابتی که به طرزی کاملاً هنری طراحی شده بیش‌تر تمایل برای تزئین فضا را نشان می‌دهند تا فراهم آوردن مکانی دوستانه، فقدان صندلی‌های راحت، بی‌توجهی به بزرگسالان را نشان می‌دهد و حذف پله‌ها و سکوهایی قابل نشستن بیانگر نابدرباری در مورد جوانان است (لنارد، 1386، ص. 45-65).

سیمای شهری

معیار و مقوله سیمای شهر بر اساس دیدگاه‌ها و تجربیات مختلف قابل بحث است. ارتفاع زیاد ساختمان‌ها سبب جلوگیری از رسیدن نور طبیعی به خیابان‌ها و ساختمان‌های مجاور و برهم زدن خط آسمان می‌گردد. ارتفاع زیاد ساختمان‌ها سبب فراهم نمودن چشم انداز و دید و منظر مناسب برای ساکنین آن می‌گردد و این در حالی‌ست که ساختمان‌های مجاور از داشتن دید و منظر مناسب بی‌بهره‌اند. در بحث توده و فضا این‌گونه می‌توان مطرح کرد که اگر ساختمان‌ها با ارتفاع کم در نظر گرفته شوند با توجه به تراکم جمعیتی، توده بر فضا غلبه یافته و از طرف دیگر اگر ارتفاع ساختمان‌ها زیاد در نظر گرفته شود (10 طبقه به بالا) فضا بر توده غلبه یافته، اما این در حالی است که فضای ایجاد شده فضای مناسب برای گذران اوقات فراغت و ایجاد محیط دوستانه برای عموم ناست. در نتیجه با استفاده از ساختمان‌های با ارتفاع متوسط و عقب نشینی در طبقات بالایی این ساختمان‌ها، در عین حال که محصوریت فضایی جهت استفاده

فیزیکی و لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا (دانشور و چرخچیان، 1386، ص. 19-28). وجود تعاملات و همبستگی در درون فضاهای زیستی مهم‌ترین ابزار نظارتی و کنترلی، می‌تواند از بسیاری از جرائم و بزهکاری‌ها بکاهد. طبق نظر دورکیم اگر جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن هم‌نواپی بیشتری با ارزش‌های جامعه خواهند داشت (دورکیم، 1387، ص. 62).

روابط همسایگی

روابط همسایگی بخشی از «کیفیت زندگی» است که در شرایط پیشامدرن پاسخ‌گوی بسیاری از نیازها بوده است. اکنون نیز اغلب در شهرها و محله‌هایی که روابط همسایگی عمیق و گسترده‌ای دارند چنین احساس وجود دارد. اینکه در کنار چه کسانی زندگی کنیم از نظر اجتماعی و فرهنگی مهم است زیرا بر کیفیت زندگی ما تأثیر می‌گذارد. گاه برخی از افراد در حلات فقیرنشین احساس می‌کنند که محله‌شان «حال و هوای معنوی» دارد و در عمل نوعی رضایت و خرسندی از زندگی جمعی و محله‌ای دارند زیرا در موقعیت‌ها و مجلس شادی و سوگواری همکار و غمخوار هم هستند. این امر ناظر بر کیفیت و محتوای زندگی اجتماعی است. البته تجدد این دو وضعیت روابط عمیق همسایگی در ساختار جامعه سنتی و تحول آن در جامعه شهری امروزی انجام می‌دهیم (فاضلی، 1389).

امنیت اجتماعی

لذت بردن از محیط خارجی تا حدی به محفوظ بودن در برابر خطرات و جراحات فیزیکی و عمدتاً به امنیت در برابر حرکت خودروها و ترس از تبهکاری مربوط می‌شود. جین جیکوبز رابطه میان سطوح فعالیت و ضریب امنیت را در خیابان بررسی کرده و معتقد است زمانی که افراد زیادی در خیابان مشغول رفت و آمد هستند، یک محافظت دو طرفه وجود دارد و اگر خیابان پر جنب و جوش و زنده باشد، افراد از پنجره به بیرون نگاه می‌کنند چرا که برای آن‌ها جالب و سرگرم کننده است (جیکوبز، 1386).

خانواده‌ها فراهم می‌گردد، دیواره‌های این ساختمان‌ها سبب محبوس شدن فضایی نمی‌گردد. سومین موضوع قابل بحث در سیمای شهری، نمای شهری است. عناصر عمده و مؤثر در نمای شهری را می‌توان در مقیاس، رنگ، شکل و مصالح جستجو کرد. رنگ نما و مصالح بکار رفته را نیز می‌توان در میزان تازگی و تمیزی و یا فرسودگی آن‌ها دید، هر یک از شرایط فوق می‌تواند به تبعات مختلفی در ایجاد طراوت، زیبایی، جذابیت، آرامش و یا بالعکس در ایجاد کسالت، سردی و یا خستگی در فضا منجر شود (صدوقیان زاده، 1376، ص. 34).

1-2-2- عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی شامل تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی، امنیت اجتماعی، محرمیت که به شرح زیر است.

تعاملات اجتماعی

بین موجودات زنده رابطه‌ای اجتماعی وجود دارد که متعالی‌ترین شکل آن ویژه انسان است. انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهای او در جامعه و در تعامل با دیگران تأمین می‌شود. رفتارهای انسان، بخشی در ارتباط با تعاملات اجتماعی است و یا به نحوی از طریق عوامل اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به طوری که رفتار یک فرد در تنهایی متفاوت از رفتاری خواهد بود که در جمع از خود نشان می‌دهد. رفتار اجتماعی یعنی رفتاری که متضمن کنش متقابل دو یا چند انسان باشد. برقراری تعاملات اجتماعی با دیگر افراد در رها شدن انسان‌ها حتی برای مدتی کوتاه از فشارهای روانی زندگی امروز بسیار مؤثر است. فضاهای جمعی مناسب با جذب افراد و گروه‌های مختلف و ایجاد شرایط مناسب برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌تواند نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک کند و انسان‌ها را در تکمیل رشد روانی و اجتماعی‌شان یاری دهند (تیموری و یزدانی، 1392، ص. 92-83).

دانشور و چرخچیان (1386) بعد اجتماع‌پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیت‌های فضاهای عمومی مبتنی بر مراحل زیر بدانیم: پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف، تأمین آسایش روانی و

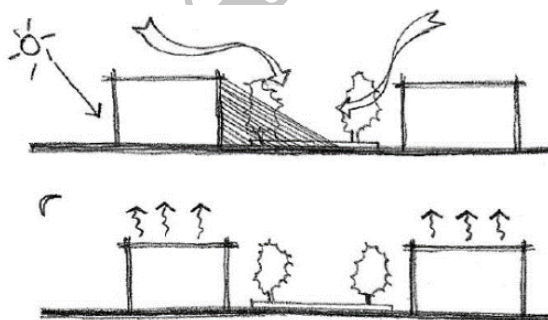
سیمای متفاوتی پدید می‌آورند. بنابراین فضا را می‌توان به وسیله درختان، گل‌ها و آب منظرسازی کرد. آبنماها، می‌توانند مرکز فعالیت کودکان و بزرگترها باشند (پاکزاد، 1386، ص. 284). آبنماها و چشمه‌ها مراکز مهم تجمع افراد بوده‌اند و مرکزیت خود را برای تعامل‌های اجتماعی به اثبات رسانده‌اند. در خانه‌های سنتی نیز وجود گیاهان و آبنماها در حیاط مرکزی باعث تعدیل شرایط نامناسب اقلیمی خصوصا در فصول گرم شده و شرایط آسایش انسان فراهم می‌کند.

گیاهان و سطوح آب موجود در حیاط مهم‌ترین عوامل کارکرد حرارتی حیاط هستند. حیاط‌ها به عنوان تله سرمایی عمل کرده و سرما را در خود حفظ می‌کنند. در طول روز حیاط به دلیل سایه اندازی، سرمایش تبخیری و حفظ هوای خنک شب، معتدل‌تر از فضاهای کاملا باز خارجی است (وکیلی نژاد، مهدی زاده سراج، مفیدی شمیرانی، 1392، ص. 152).



شکل 4- عنصر آب و گیاه برای معنای تعدیل کننده شرایط نامناسب اقلیمی (<https://en.mehrnews.com>)

Fig. 4- element of water and plants in the sense of moderating climatic conditions



شکل 5- ایجاد سرمایش در حیاط مرکزی و ایجاد آسایش ساکنین (وکیلی نژاد، مهدی زاده سراج، مفیدی شمیرانی، 1392، ص. 152).

Figure 3- Creating a cool down in the central courtyard and creating the comfort of the inhabitants (Vakilinezhad, Mehdizadeh Seraj, Mofidi Shemirani, 1392, p. 152).

طولانی‌تر و فعالیت‌هایی نظیر ایستادن، نشستن، خوردن و آشامیدن و مشاهده کردن افزایش می‌یابد. فعالیت‌هایی که در ماه‌های زمستان از آن‌ها خبری نیست، در تابستان نقش مهمی را در سرزندگی فضاها ایفا می‌نمایند و بالاخره فعالیت نشستن زمانی که درجه حرارت صندلی‌ها به بالای 10 درجه می‌رسد، آغاز می‌گردد. در معماری خانه‌های سنتی فنون اقلیمی که به کار گرفته شده است: دورنگرایی، برون‌گرایی، جهت‌گیری (این جهت‌گیری از لحاظ اقلیمی شرایطی را به وجود آورده است تا فضاهای تابستانی و اتاق‌های زمستانی به طور منطقی در طراحی فضاهای زیستی جایگاه خویش را بیابند)، فرورفتن در دل خاک (ساختن فضاهایی در زیر زمین جهت استفاده از ظرفیت حرارتی خاک در فصول مختلف سال نیز از دیگر فنون اقلیمی است)، فضای سبز (سطوح سبز با جذب پرتوهای تابشی خورشید مانع انعکاس دوباره پرتوها و افزایش ناخواسته گرما می‌شوند)، استفاده از مصالح مناسب (استفاده از مصالح بوم‌آورد با ظرفیت حرارتی مناسب با توجه به اقلیم از طرفندهای اقلیمی به کار رفته در معماری مسکونی ایران است)، عایق کاری در معماری سنتی (ایرانیان از دیرباز با عایق کاری آشنا بوده‌اند و با استفاده از مصالح ساختمانی در دسترس و کم و زیاد کردن ضخامت دیواره، خانه‌های خود را طوری می‌ساختند که کم‌ترین نیاز به گرمایش و سرمایش داشته باشد و این خود جلوه‌ای از تمدن دیرینه ایرانیان است) (قبادیان، 1372، ص. 21).

آبنما و گیاهان

فضای سبز می‌تواند با تهویه و تلطیف هوا، ایجاد و حفظ رطوبت در شهر کمک کرده، ضمن اینکه از نظر سیمای ظاهری و جنبه‌های روحی و روانی نیز مسلمانان نقش مهمی خواهند داشت. پوشش گیاهی مناسب می‌تواند اثر بادهای شدید را نیز تعدیل کرده و جلوی فرسایش خاک را نیز بگیرد (بحرینی، 1383، ص. 241). استفاده از گیاهان محل یا منطقه نشان می‌دهد که ما در چه نقطه‌ای از کشور هستیم و تنوع زیستی بیش‌تری نیز فراهم می‌آورد (دیویس، 1384، ص. 101). یکی از عناصری که می‌تواند به سرزندگی و حیات محیط کمک کنند، کاشت گیاهان حس نزدیکی می‌دهند و عناصر فضا را به هم نزدیک می‌کنند. گیاهان می‌توانند مکان و کارکرد آن را تعریف یا تعیین جهت نمایند یا هویت بخشند و تفکیک یا محصور کنند. می‌توان گیاهانی را انتخاب کرد که حال و هوا و

2- روش تحقیق

هدف این تحقیق شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس سرزندگی در فضاهای زیستی است. روش تحقیق این مقاله به شیوه فراتحلیل و گردآوری اطلاعات به صورت استنادی- کتابخانه‌ای است. قلمرو تحقیق شامل نظرهای مطرح در این زمینه است. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند از نظرات 12 نفر از نظریه‌پردازان در رابطه با این موضوع مورد تحقیق قرار گرفته است. روش تحلیل در این پژوهش به صورت کیفی- کمی است. ابتدا نظر متخصصین در رابطه با موضوع حس سرزندگی و شاخص‌های تأثیرگذار بر فضاهای زیستی گردآوری شد. با تعیین درصد فراوانی مربوطه و در نهایت تعیین نحوه ترکیب و تاثیر این مؤلفه‌ها بر تحقق حس سرزندگی در فضاهای زیستی به صورت الگویی برای راهنمایی طراحان فضاهای زیستی تبیین گردیده است. لذا دستاوردی به استناد یافته‌های تحقیق و جمع‌بندی الگوی ارتباطی میان مؤلفه‌های ریزعامل‌های تحقق، حس سرزندگی در فضاهای زیستی و عوامل اصلی مؤثر در این خصوص به دست آمده است.

3- نتایج و بحث

با توجه به جدول شماره 2 و همچنین شکل شماره 3 درصد فراوانی شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی براساس تعداد نظرات متخصصین مشخص گردیده است. براساس نظراتی که متخصصین در رابطه با عامل‌های سرزندگی داشته‌اند ذکر گردید و تعداد نظرات برای هر عامل مشخص گردید که بالاترین تعداد عوامل عبارتند از: 6 نظریه‌پرداز نسبت به عامل تعامل اجتماعی و 6 نظریه‌پرداز نسبت به عامل تنوع فعالیت‌ها و 6 نظریه‌پرداز نسبت به عامل تنوع کاربری توافق داشتند که در زیر به ترتیب تعداد نظرات ذکر گردیده است.

جدول 2- درصد فراوانی عوامل سرزندگی از دیدگاه نظریه پردازان بر اساس تکرارپذیری

Table 2- Frequency of factors of vitality from the viewpoints of theorists on the basis of repeatability

ردیف	شاخص‌ها	تعداد نظرات	درصد فراوانی
1	تعاملات اجتماعی	6	13/95%
2	تنوع فعالیت	6	13/95%
3	تنوع کاربری	6	13/95%

4	خوانایی	5	11/63%
5	امنیت و ایمنی	5	11/63%
6	دسترسی	3	7/00%
7	سازگاری فعالیت‌ها	2	4/65%
8	تنوع کالبدی	2	4/65%
9	زیست محیطی	2	4/65%
10	انعطاف پذیری و نفوذپذیری	1	2/32%
11	تراکم کالبدی و بصری	1	2/32%
12	تعلق مکانی	1	2/32%
13	هویت فرهنگی	1	2/32%
14	هویت کالبدی و تاریخی	1	2/32%
15	غنای حسی	1	2/32%
16	جمع کل	43	100/00%

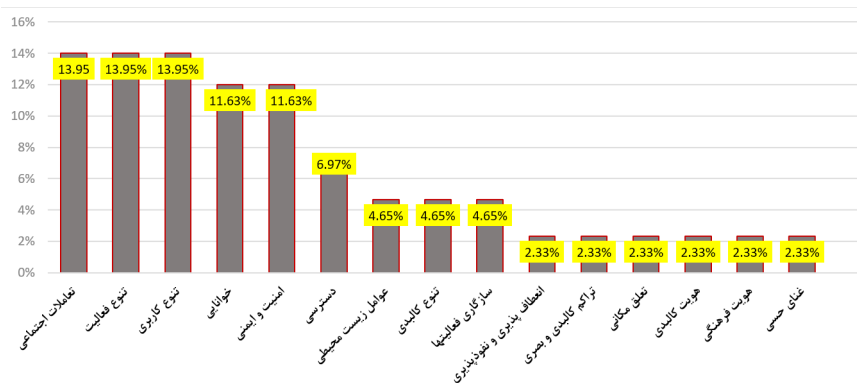
با بررسی‌های صورت گرفته بیشتر متخصصین در رابطه به این موضوع براساس تعداد نظراتشان در مورد 15 عامل به دست آمده چنین برداشت می‌گردد که عامل تعاملات اجتماعی 13/95%، عامل تنوع کاربری 13/95% و عامل تنوع فعالیت‌ها 13/95% مؤثرترین عامل در رسیدن به سرزندگی می‌دانند. کمتر به مسائل زیست‌محیطی و شاخصه‌های آن توجه شده است. در زیر شکل درصد تأثیر عوامل نمایان است.

از سوی دیگر مطابق مندرجات جدول شماره 3 در زیر بر اساس تعداد مجموع 43 نظریه شاخص، مؤثرترین تعداد نظرات مرتبط به مؤلفه کالبدی با درصد فراوانی 74/42% است و کم‌ترین تعداد نظرات مرتبط به مؤلفه زیست‌محیطی است که فراوانی 6/97% درصد را به خود اختصاص داده است.

جدول 3- درصد فراوانی کل مؤلفه‌های سرزندگی از دیدگاه نظریه پردازان بر اساس تکرارپذیری

Table 3- Frequency of the total Factors of vitality from the viewpoint of theorists on the basis of repeatability

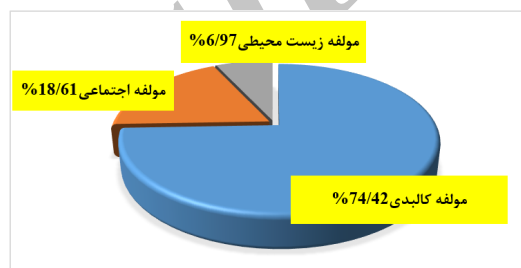
ردیف	شاخص‌های سرزندگی	تعداد نظرات	درصد فراوانی نسبت به کل
1	مؤلفه کالبدی	32	74/42%
2	مؤلفه اجتماعی	8	18/61%
3	مؤلفه زیست‌محیطی	3	6/97%
4	جمع کل	43	100/00%



شکل 6- درصد فراوانی عوامل مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی
 Fig. 6- Frequency of the factors of physical, social and environmental components

زیستی معرفی نمود. براساس بررسی نظرات متخصصین و به کمک روش طبقه بندی و ترکیب نتایج مطالعات انجام شده مشخص گردید که مهمترین موضوعات جهت بررسی از دیدگاه محققین مربوطه به ترتیب اهمیت شامل سه مؤلفه کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی است. لذا برای بهبود و تحقق حس سرزندگی در فضاهای زیستی سه عامل اصلی تعاملات اجتماعی، تنوع فعالیت و تنوع کاربری در رسیدن به سرزندگی از اهمیت بالایی برخوردارند. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان چنین گفت که، فضایی سرزنده است که بتواند به ترتیب اولویت در سه حوزه کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی نیازهای ساکنین را برآورده نماید و طراحان باید درک صحیحی از این سه حوزه داشته باشند تا بتوانند فضایی مناسب برای تحقق سرزندگی ساکنین طراحی کنند. سرزندگی در اثر حس تعلق مکان و دلبستگی ساکنین نسبت به محیط زندگی آنها حاصل می‌شود. لذا طراحی درست ناخودآگاه موجب تأمین سلامت در فضای زیستی ساکنین می‌شود.

در این خصوص طبقه بندی نقطه نظرات محققین این حوزه به شرح شکل شماره 7 نمایش داده شده است:



شکل 7- درصد کمی تعداد اختصاص نظرات نظریه پردازان در خصوص مؤلفه‌های سرزندگی

Fig. 7- A small percentage of the opinions of theorists on the Factors of vitality

4- نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام گرفته می‌توان گفت براساس نظر متخصصین در رابطه با موضوع سرزندگی، به ترتیب اولویت سه مؤلفه کالبدی 42/74%، اجتماعی 18/61% و زیست محیطی 6/97% در رسیدن به حس سرزندگی در فضای زیستی مؤثرند. در ادامه با توجه به این سه مؤلفه 15 عامل به دست آمد که از بین این 15 عامل مؤثرترین عوامل عبارتند از تعاملات اجتماعی (مؤلفه اجتماعی)، تنوع فعالیتها (مؤلفه کالبدی) و نیز تنوع کاربری (مؤلفه کالبدی) با درصد فراوانی تقریباً برابر و معادل 14% تشخیص داده شدند. پس این مؤلفه‌ها دارای تأثیری بالایی برای ایجاد فضای زیستی سرزنده هستند. در سخن آخر نیز در طبقه بندی ریزعاملها و عوامل اصلی مؤثر می‌توان الگوی پیشنهادی حاصل از تحقیق حاضر را به عنوان رهنمون مؤثری در راهبرد طراحی اصولی تأمین کننده سرزندگی در فضاهای



شکل ۸- الگویی کلی از مؤلفه‌های مؤثر برای تأمین سرزندگی در فضای زیستی

Fig. 8- General pattern of the effective the factors to ensure the vitality of Bio space (writers)



indicators based on the importance of considering environmental factors. National Conference on Urbanism, Urban Management and Sustainable Development, Esfand, Tehran.

Khašto, Maryam (2009) Investigating the factors affecting the vitality of urban spaces and designing a lively urban environment, relying on the concept of the pedestrian shopping center. Master's thesis for urban planning, Faculty of Architecture and Civil Engineering, Islamic Azad University, Qazvin Branch.

Landry, Charls.)2000(.Urban vitality, A new source of urban competitiveness. Prince Claus fund journal, arch is Issae urban vitality/urban heroes.

Lenard, Croher and Henry Lard (2007) Urban Space Design and Social Life. Translation: Rasoul Mojtaba Pour, Architecture and Urban Development Quarterly, 45-44.

Mojtabavi, Seyedeh Maryam; Walidad, Mohammad Taghi (2013) Study of the Indices of Sustainable Architecture in Traditional Desert Houses Case Study: Gonabad City. National Conference on Architecture, Urbanism and Sustainable Development, Focusing on Native Architecture to the Sustainable City, Mashhad: Khavaran Higher Education Institution.

Omidi, Mohammad, Shondi, Bahareh, Moeini, Seyed Mahmoud (2014) Explaining the sense of vitality in residential complexes. First National Conference on Residential Architecture, Sama Vocational school, Malayer Unit.

Pakzad, Jahanshah (2007) Design Guide for Urban Spaces in Iran. Tehran: Shahidi Publication, Third Edition.

Sadouqianzadeh, Minosh (1997) High-rise and urban space. Master's Degree at Tehran University of Science and Technology.

Teimouri, Siavash, Yazdani, Samira (2013) The Impact of Open spaces of residential complexes on increasing social interactions of inhabitants. Journal of city identity, No. 15, p. 92-83.

منابع

Aframin, Farnad (2007) Factors of warmth with joy and coldness on urban scale. Urban Area, No. 43.

Anne Thomas, Jim (2001) The liveliness of urban spaces in Barcelona. Translation: Seyyed Mohammad Dashtian, Municipalities, No. 25, Third Year, p. 43- 45.

Ali Mohammadi, Farzaneh; Bemanian, Mohammad Reza; Pourfat Allah, Maedeh (2015). Comparative Study of the Effect of Cultural Change on Privacy in the Entrance of Traditional Houses of the Qajar Period (Sample: Traditional House of Qazvin). Intercultural Studies Quarterly, tenth edition, issue 27, p. 115-140.

Chapman, David (2007) Creates neighborhoods and places in the human environment. Translation: Shahrzad Faryadi and Manouchehr Tabibian, Tehran University Press, Second Edition.

Davis, Lolin (2005) Urban Design Guide. Translated by: Reza Rezaei, Tehran: Publications of the Civil Society of New Towns.

Durkheim, Emile (2008). The rules of the sociological method. Translation: Ali Mohammad Kardan, Tehran University Press.

Daneshpour, Abdolhadi; charkhchian, Maryam (2007) Public spaces and factors affecting collective life. Journal of Gardening, No. 7, p. 19-28.

Fazeli, Mohammad (2010) Social Impact Assessment. First edition, Sociology Publishers.

Ghobadian, Vahid (1993) Housing adaptation to the climate. Journal of Architecture and Urban Development, No. 248, p. 21.

Golkar, Kouros, (2008). The concept of quality of vitality in urban design. Sufeh Journal, No. 44, pp. 7-16

Izadi, Saeid; Jahanbin, Nima (2014) Comparative study of vitality definitions. To extract vitality

Vakilinezhad, Roza; Mehdizadeh Seraj, Fatemeh, Mofidi Shemirani, Seyed Majid (2013), The principles of static cooling systems in traditional Iranian elements. Scientific-Research Journal of Iranian Architecture and Urban Science Association, No. 5, pp. 147-159.

<https://en.mehrnews.com>

Archive of SID



سال پنجم شماره اول بهار و تابستان ۹۶

